

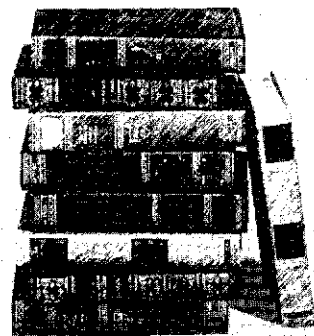
## کتاب‌هایی از جهان عرب

● سید مصطفی مطبوعه چی اصفهانی

- المهدي المنتظر عند الشيعة الاثني عشرية
- جواد علی
- ترجمه عن الألمانية: ابوالعید دودو،
- کلن (آلمان)، منشورات الجمل، ۲۰۰۵، ۳۱۸ ص



دکتر جواد علی (۱۹۰۷-۱۹۸۷ م) دانشور مشهور عراقی را در ایران با نام کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام می‌شناسیم، اثری سترگ در ده جلد که عموم محققین و دانش پژوهان حوزه مطالعات اسلامی از آن بهره برده و می‌برند. کتاب مهدی منتظر [«عج»] نزد شیعه امامیه، رساله دکتری جواد علی است که در ۱۹۳۸ در دانشگاه هامبورگ آلمان از آن دفاع کرده و اکنون از زبان آلمانی به عربی ترجمه و منتشر شده است. این اثر در ده فصل سامان یافته است. در فصل نخست مؤلف به نحوه تکوین اندیشه امامت پرداخته است و از جمله به ویژگی «غیبت دوازدهمین امام» نزد شیعیان اثنا عشری اشاره می‌کند و تبیین و تشریح این ویژگی را در مصادر کهن شیعی بررسی کرده است. از نخستین نگاه‌ها در این موضوع کتاب الغیبة اثر حسن بن علی بن فضال (متوفی ۲۲۴ هـ) است، سپس به تألیفات دانشوران معاصر شیعی، بنا به نقل و اشاره مرحومان سید هبة‌الدین شهرستانی و سید محمد حسین آل کاشف الغطاء، می‌پردازد و مجموعاً از مصادر کهن، معاصر و مجهول المؤلف ۱۱۵ اثر که درباره غیبت امام فراهم کرده‌اند را معرفی می‌کند. در فصل دوم پس از اشاره اجمالی به موضع‌گیری امامان شیعه در قبال سیاست حاکم به گزارش‌هایی که در خصوص ولادت امام عصر «عج» آمده است، می‌پردازد. در فصل بعد مسئله غیبت صغری و ابعاد و چگونگی‌های آن را بررسی کرده است. در فصل چهارم تا هفتم به نواب اول تاسوم امام عصر پرداخته و نحوه تعامل مقام سفارت با تحولات جامعه شیعی و دسته‌بندی‌های مختلف عقیدتی سیاسی آن از یک سو و فعل و انفعال سیاست بر مجموعه چنین رویدادهایی را کاویده است. فصل هفتم به محمد بن علی السلمغانی اختصاص دارد، از آن رو که وی نقش مهمی در تحولات جامعه شیعی در ایام سفارت سومین نایب (سفیر) امام «عج» داشته است. در فصل هشتم سیر تطور عقیده توحید از منظر شیعه قبل از غیبت امام و همچنین در خلال فترت غیبت صغری بررسی شده است و احوال و آثار دانشورانی همچون: زرارۀ بن اعین، ابوجعفر مؤمن الطاق، هشام بن سالم الجوالیقی، هشام بن حکم، ابوالحسن علی بن میتال التمار، ابوجعفر السکاک، یونس بن عبدالرحمن القمی، علی بن منصور، ابوالأحرص البصری، به اختصار اشاره شده است. در همین فصل به اختصار تمام به نحوه تکوین و اصول کلی علم کلام، فقه و حدیث شیعی از ابتدا تا پایان عصر غیبت صغری و دانشمندان برجسته این عرصه‌ها اشاره شده است. فصل نهم به آخرین نایب (سفیر) امام در دوره غیبت صغری اختصاص یافته و سرنوشت و مدفن نواب اربعه بررسی شده است. موضوع وکالت و کلاء در مناطق شیعه‌نشین در ادامه همین فصل بحث



شده است.

آخرین فصل به مسئله غیبت کبری اختصاص یافته و توقیعات حضرت نیز در ضمن این فصل بحث شده است. بنا به تصریح مؤلف وی مسئله غیبت را به مثابه پدیده‌ای تاریخی، عقیدتی بحث و بررسی کرده است نه همچون عقیده‌ای دینی مربوط به گرایش مذهبی معین در اسلام.



### ■ الادیان و المذاهب بالعراق

■ رشید الخیون،

■ آلمان (کلن)، منشورات الجمل، ۲۰۰۳، ۵۵۸ ص

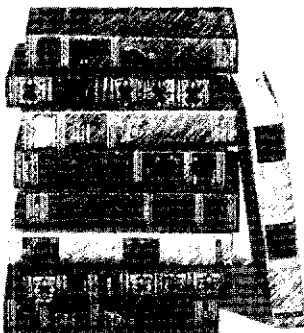
نشر جمل از معدود ناشران عربی<sup>۱</sup> است که در اروپا فعالیت دارد و آثار خود را به زبان عربی منتشر می‌کند. این ناشر به جهت طرز فکر مؤسس آن از سویی و فضای فکری - فرهنگی آلمان از سوی دیگر، بر آن است تا به زعم خود آثاری را به چاپ برساند که سطح علمی قابل توجهی داشته و حتی الامکان رعایت بی طرفی در مناقشات مذهبی عقیدتی را کرده باشد.

از جمله آثار اخیر این ناشر کتاب ادیان و مذاهب در عراق است که رشید الخیون آن را نگاشته است. مؤلف از محققین عراقی است که آثار ذیل از وی به چاپ رسیده است:

مذهب المعتزله من الکلام الی الفلسفه (بیروت ۱۹۹۴)؛ تلخیص البیان فی ذکر فرق الادیان، تحقیق (لندن ۱۹۹۴)؛ معتزلة البصرة و بغداد (لندن ۱۹۹۷)؛ جدل التنزیل، مع کتاب خلق القرآن للجاحظ، (آلمان ۲۰۰۰)؛ حروف حی، البایة و البهائیة مع نص کتاب اقدس (آلمان ۲۰۰۳).

مقصود وی از ادیان، ادیان و مذاهبی است که زنده‌اند و پیروانی دارند و فعالیت‌های دینی، مراسم مذهبی، آداب و رسوم ویژه و غیره از سوی آنان انجام می‌شود. لذا ادیان و مذاهب اقوام کهن همچون سومریان، بابلیان، آشوریان و مانند آن از حیطة این پژوهش خارج است. اقلی یا اکثری بودن جمعیت پیروان ادیان نیز لحاظ نشده، آنچه مورد نظر بوده ادیان و مذاهب زنده دارای پیرو بوده است.

این اثر مشتمل بر مقدمه‌ای است در بیان چگونگی همزیستی این مجموعه شگرف و متنوع از عقائد، ادیان و مذاهب مختلف در قلمرویی که عراق نامیده شده و می‌شود. فصول ده‌گانه‌ای که پس از مقدمه آمده است عبارت است از: الصابئة المندائية، الیزیدیه، اليهودیه، المسیحیه، الشیعة، المذهب الحنفی، المذهب الشافعی، الحنابله، الکاکنیه، الشبک. مطلبی نیز به عنوان ضمیمه، به کتاب ملحق شده است و آن عبارت است از: آمار تفصیلی پیروان ادیان و مذاهب در استان‌های مختلف عراق که وزارت کشور عراق در ۱۹۷۷ آن را تهیه کرده است. اثر موجود پژوهشی تاریخی اجتماعی است و مؤلف مدعی است که در اهتمام به هر فرقه یا مذهبی به منابع و مصادر متقن مورد قبول هر طایفه مراجعه کرده و در بررسی تاریخی اجتماعی هر مذهبی تسلسل حوادث و رویدادهای تاریخی و همچنین به بسط و تحولات داخلی و نحوه تعامل با دیگر مذاهب و ادیان



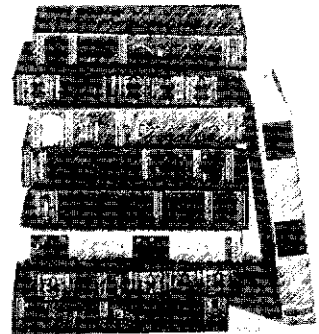
نیز توجه کرده است. البته مدعیات و نتایجی که وی بدان رسیده است، محل نقد و بررسی بسیار است و شایسته است این کتاب با ترجمه‌ای انتقادی به محضر دانش پژوهان فارسی زبان تقدیم گردد.

- العقل المستقیل فی الاسلام
- جورج طرابیسی
- بیروت، دارالساقی، ۲۰۰۴، ۴۲۴ ص

در اواخر دهه هشتاد میلادی هنگامی که دکتر محمد عبدالجباری دانشور مشهور مغربی نظریه ویژه خود را درباره «عقل عربی اسلامی» مطرح کرد، نقد و نظرهای بی شماری را موافق یا مخالف این نظریه موجب شد. از دوستان سکولار خود گرفته تا سلفیان، اخوانیان جُدد و دانشوران شرقی جهان اسلام که از منظر باورهای شیعی به نقادی نظریه وی پرداختند: همچون یحیی محمد و کامل الهاشمی. از جمله نقدهای جدی از دانشوران سکولار عرب، نقد پنج جلدی جورج طرابیسی است که اینک مجلد چهارم آن منتشر شده است. عناوین مجلدات اول تا سوم عبارت است: «نظریه العقل العربی، اشکالیات العقل العربی، و حدة العقل العربی» مؤلف در مجلد چهارم نیز آراء و اندیشه‌های جابری را در خصوص علل و عوامل افول عقلانیت در جهان اسلامی به چالش می‌کشد و با رد نظریه جابری که هجوم و نفوذ «موروث قدیم» بر فضای تفکر اسلامی را عامل افول اندیشه می‌پندارد. اساساً با طرح این سؤال که آیا افول ناشی از عاملی خارجی است؟ یا مجموعه ساز و کارهای داخلی موجب این پدیده شده است؟ بحث را به سمت و سویی دیگر هدایت می‌کند.

- التأثير المسيحي فی تفسير القرآن
- مصطفى بوهندی
- بیروت، دارالطليعة، ۲۰۰۴، ۳۲۰ ص

هریک از مناطق جهان اسلام ویژگی‌های خاص خود را داراست. در حوزه موضوعات و مسائل مربوط به فکر و اندیشه معاصر اسلامی، منطقه غرب اسلامی (تونس، الجزایر و مغرب) از صبغة خاصی برخوردار است. وجه و وجه این تمایز مجالی واسع می‌طلبد، اما به اختصار در یک جمله می‌توان گفت: قوت تفکر فلسفی انتقادی در آن دیار ثمرات و نتایج متفاوتی از منطقه مرکزی یا شرقی جهان اسلام ایجاد کرده است. البته در چند و چون این نتایج و تألیفات نقد و نظر بسیار است و هر یک در محل خود شنیدنی و قابل سنجش است. از جمله آثار اخیر که در سرزمین فکر و اندیشه مغرب رویداده است، به کتاب التأثير المسيحي فی تفسير القرآن می‌توان اشاره کرد. انگیزه اساسی که مؤلف را به تألیف این اثر رهنمون ساخته، این سؤال بوده است: دانش تفسیر تا





چه حد و میزانی توانسته است خواننده را به گونه‌ای شایسته و صحیح با متن قرآن آشنا کند؟ چرا و چگونه مفاهیم و تصویری از دیگر فرهنگ‌های یهودی، مسیحی و غیره بر ذهن و ضمیر مفسران سایه افکنده و اثرات خود را در چگونگی تفسیر کلام الهی بر جای نهاده است و چنین درک و دریافت‌هایی به تدریج وارد منظومه معرفتی مسلمانان شده است؟ نویسنده در پاسخ به این سؤال و پرسش‌هایی از این دست اثر خود را سامان داده است. این کتاب در سه باب فراهم شده است. باب نخست «مقدمات فی اصول التفسیر» نام دارد که در چهار فصل به تفسیر و تأویل، نسخ تفسیر (از طریق احادیث) نبوی و تفسیر صحابی پرداخته است؛ باب دوم با عنوان «الاولهیه و النبوة» به مسئله روح (در قرآن) و کلمه (در انجیل)، ولادت، نبوت و وفات حضرت مسیح (ع) در قرآن و انجیل پرداخته و چگونگی تأثیر برخی مفسران و مفاهیم رایج در بین عموم تفاسیر اهل سنت از آراء مسیحی را نمایان ساخته است؛ باب سوم همین تأثیر را در مسائل مربوط به معاد متذکر شده است و موضوعات و مصادیقی مانند اشراف الساعة، المسيح المنتظر، المسيح الدجال، یا جوج و مأجوج، را بررسی و نقد کرده است. به نظر مؤلف دشواری تفسیر قرآن فقط مربوط به پیچیدگی‌های برخی الفاظ و عبارات، اجمال یا اسالیب خاص بیانی نیست، بلکه بیشتر مربوط به آراء، افکار و تصورات و سلوکیاتی است که ریشه در فرهنگ‌های غیر اسلامی یعنی یهود و مسیحیت دارند و نفوذ و سریان چنین مفاهیم بیگانه‌ای بر نحوه درک و فهم نص قرآن سایه افکنده و موجب خلط خطیر بین نص ربانی مقدس و تفسیر بشری نسبی و محدود شده و مجالی برای ظهور جاودانگی نص ربانی در قول و فعل مؤمنان به آن، باقی نگذاشته است.

■ نصوص معاصرة «فصلیه تعنی بالفکر الدینی المعاصر»

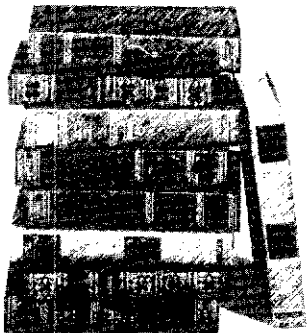
■ العدد التجریبی ۱۴۲۵-۲۰۰۴

■ العدد الاول، السنة الاولى، محرم ۱۴۲۶ - مارس ۲۰۰۵

اولویت سیاست بر فرهنگ در روابط و تعامل با جهان عرب خط مشی غالب در چند دهه اخیر در کشور ما بوده است. آنچه ما از جهان عرب می‌دانیم اندک، سطحی و بعضاً نادرست است، ولی در مقابل به ویژه در چند سال اخیر، درک و دریافت اعراب از ایران و مسائل مربوط به آن ارتقاء کیفی و کمی یافته است.

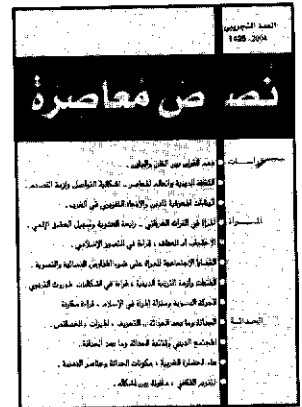
مصر کانون ایران‌شناسی در جهان عرب است که در دو زمینه مهم خدمات شایانی به ایران و زبان فارسی کرده است: ۱ - تربیت اساتید زبان و ادبیات فارسی؛ ۲ - فعالیت در زمینه ترجمه و تألیف درباره ایران و زبان فارسی.

فعالیت درباره ایران منحصر به حوزه سیاست و مسائل و موضوعات مربوط به آن است که عمدتاً در فصلنامه مختارات ایرانیه منعکس می‌شود و زبان فارسی نیز مسائل و موضوعات حوزه ادبیات کهن را در بر می‌گیرد. اما در حوزه فکر و اندیشه، آشنایی اعراب با موضوعات و مسائل تفکر



معاصر ایران و اندیشمندان برجسته چند دهه اخیر، منحصر است به آنچه مصریان از کتاب‌های شریعتی تعریب کرده‌اند یا برخی کتاب‌هایی که از مرحوم مطهری به عربی ترجمه شده است، البته در چند سال اخیر مجلاتی در ایران و لبنان به این مهم عنایت کرده و برخی از زوایای اندیشه و تأملات ایرانیان را به جهان عرب معرفی کرده‌اند و در این خصوص تلاش‌های استاد عبدالجبار الرفاعی شایسته تمجید و سپاس است. در ادامه این حرکت ارزشمند پاره‌ای از دانشوران عرب و در رأس آنان آیت‌الله دکتر عبدالهادی فضل‌ی و استاد حیدر حب‌الله است که با تأسیس فصلنامه‌ای پربزرگ و بار اقدام به معرفی فضای فکری فرهنگی ایران به جهان عرب کرده‌اند. این مجله که تاکنون دوشماره از آن به خوانندگان عرضه شده است در بیروت منتشر می‌شود و هدف آن گزارش فضای فکری و فرهنگی دینی ایران معاصر است. و صرفاً به ارائه کوشش‌های فکری، فرهنگی - دینی می‌پردازد که دانشوران ایرانی به زبان فارسی یا غیر آن، عرضه کرده‌اند و مجله از نشر مقالات نویسندگان غیر ایرانی معذور است.

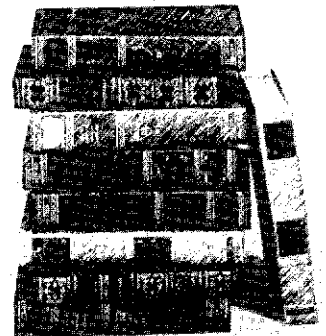
این حرکت می‌تواند در تقریب و تفاهم فضای فکری میان دانشوران دینی جهان اسلام نقش بسزایی ایفا کند و چه شایسته است که نشریه‌ای تخصصی کوشش‌های اندیشوران معاصر عرب را به فارسی زبانان ارائه کند. پیش شماره این مجله شامل مقالاتی در باب برخی ابعاد اندیشه معاصر اسلامی از جمله مسئله «زن» و «نوگرایی» است. شماره اول نیز ویژه‌اندیشه سیاسی اسلام سامان یافته و مقالاتی از دانشوران حوزه و دانشگاه به خوانندگان عرب تقدیم شده است.



- التقيية في الاسلام
- سامی مکارم
- بیروت، مؤسسة التراث الدرزي، ۲۰۰۴، ۳۲۸ ص

تأثیر عصر انفجار اطلاعات را بر موضوعات و مسائل مختلفی می‌توان بررسی کرد. از جمله تأثیر این پدیده جهانی بر نحوه سلوک اقلیت‌های مذهبی، فرق و نحله‌های دینی به شدت بسته و درون‌گرا و برخی تعالیم سرری و شبه سرری، درست هشت سال قبل هنگامی که برخی روشنفکران دروزی تحت عنوان «جنبش اصلاح دینی» با قرار دادن پاره‌ای آراء و تعالیم دینی دروزی، برخی اوراد و اذکار، متون کهن سرری و مانند آن بر روی شبکه‌ای در اینترنت که همگی جنبه محرمانه داشت و فقط مشایخ و بزرگان درجه اول فرقه دروزیان حق دسترسی به آن را داشتند، موجب شد حرکتی آغاز گردد که به تدریج فضای درونی و بسته چنین فرق و گرایش‌ها را دگرگون کند. تحولی که به سرعت بر دیگر فرقه‌ها و نحله‌های دینی، مذهبی نیز سرایت کرد که ما امروزه، شاهد آثار بی‌شماری موافق یا مخالف گرایش‌هایی چون، اسماعیلیه و اسماعیلیان معاصر، دروزیان، علویان، اباضیه و مانند آن، هستیم.

اما در خصوص کتاب مورد نظر تقيه در اسلام اثری به سفارش «مؤسسه میراث دروزی» که

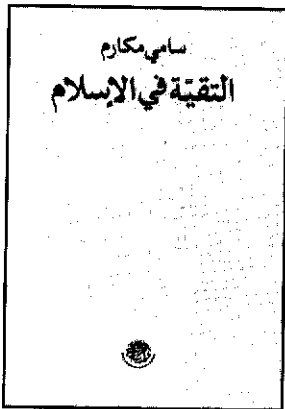




دکتر سامی مکارم آن را نگاشته است. مؤلف از شخصیت های برجسته علمی، دانشگاهی دروزی است که تألیفات گرانسنگی در حوزه تصوف و مذاهب باطنی پدید آورده است از جمله: حلاج فی ماوراء المعنی و الخط و اللون؛ الشیخ علی فارس ولی من قرن الثامن عشر؛ عاشقات اللّٰه؛ مرآة علی جبل قاف و جزآن.

کتاب تقیه در اسلام هفت فصل دارد. در فصل اول تقیه از منظر محدثین و مفسرین اسلامی بحث شده و منابع، معانی و مصادیق آن بررسی شده است؛ در فصل دوم تقیه از دیدگاه فرق مختلف خوارج همچون «الازارقه، النجدیه، البیهسیه، الصفریه، الاباضیه» بحث شده است؛ تقیه به روایت شیعه دوازده امامی عنوان فصل سوم این پژوهش است؛ تقیه از منظر زیدیه و معتزله نیز در فصل بعدی بررسی شده است؛ فصل پنجم موضوع تقیه از دیدگاه فرق باطنی اسلامی است. این فرق عبارتند از: شیعه اسماعیلی، دروزیان، نزاریان، مستعلیان و علویان؛ تقیه از دیدگاه فلاسفه اسلامی عنوان فصل ششم است و در واپسین فصل کتاب تقیه از دیدگاه صوفیان بررسی شده است و خاتمه کتاب در بردارنده دیدگاه مؤلف در این خصوص است.

این اثر پژوهشی است آکادمیک که با استفاده از منابع دست اول فراهم شده است و مؤلف گرچه تمایل و تعاطف خود را به اندیشه عرفانی و باطنی اسلامی انکار نمی کند، ولی کوشیده است در نقل و نقد دیگر دیدگاه ها منصفانه قضاوت کند.



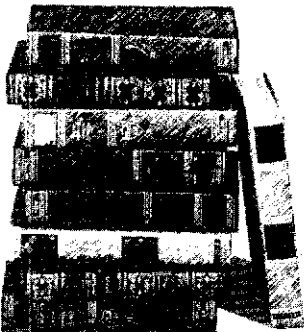
■ محنة المثقف الدینی مع العصر

■ زکی میلاد

■ بیروت : دار الجدید

دو دهه آخر قرن بیستم، شاهد تحول مفهومی بسیاری از واژه ها، تعبیرات و اصطلاحات در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بود. از جمله این تحولات دگر-دیی در مفهوم روشنفکر و نقش و تأثیر وی در جامعه و تحولات سیاسی - اجتماعی می توان یاد کرد که تا قبل از آن درک و دریافتی انقلابی و ایدئولوژیک بر گستره معنایی این مفهوم سایه افکنده بود. روشنفکر یعنی طلایه دار، پیشگام و پیشرو جامعه که با آموزه های خود می تواند توده ها را از جهل و ستم و استبداد برهاند و به سوی جامعه ای برین رهنمون شود. در دهه هشتاد قرن بیستم، به تدریج این باور از بین رفت و تعریف و تعبیر جدیدی از این مقوله عرضه شد. از پیشگامان این تحول مفهومی در جهان عرب به عبدالله عروی و محمد عابد الجابری، دانشوران مغربی، محمد ارکون اندیشمند جزائری تبار و ادوارد سعید پژوهشگر فلسطینی الاصل می توان اشاره کرد.

نگرش جدید که مبتنی بر نقد بنیادین پدیده روشنفکری و تردید و تفحص در نقش و

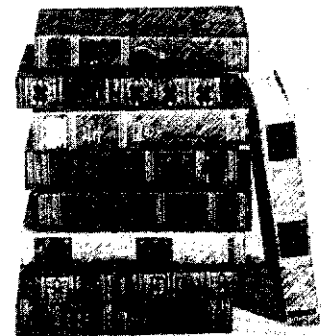


تأثیر وی و تشکیک در رویکرد پیشروانه و نخبه‌گرایانه دارد، به تدریج به ادبیات غالب در حوزه مباحث اجتماعی و فرهنگی تبدیل شد.

دریافت دیرین از مقوله روشنفکری که به شدت متأثر از ادبیات چپ بود با فروپاشی اتحاد شوروی و بحران در اندیشه‌های سوسیالیستی به کلی ارج و منزلت خود را در میان دانشوران غیر مذهبی از دست داد. اما داستان در سوی دیگر یعنی مقوله روشنفکری در میان اسلام‌گرایان به گونه‌ای دیگر است. با اوج‌گیری جنبش بیداری اسلامی نحوه تعامل سنت و مدرنیسم و درک و دریافت‌های متنوع از سوی اسلام‌گرایان درباره چگونگی ارائه راه نجات از این بحران، مقوله مسلمان روشنفکر، کانون توجه فعالان جنبش بیداری اسلامی قرار گرفت. از این رهگذر ادبیات متنوع و گسترده‌ای درباره نقش و تأثیر مسلمان روشنفکر ارائه شد و چالش‌های نظری معطوف به تجارب عملی قریب به سه دهه فعالیت مستمر اسلام‌گرایان در حوزه‌های مختلف، هنوز نیز این مقوله را مهم ارزیابی و به بحث و بررسی آن ادامه می‌دهد. از جمله این تلاش‌ها نوشتاری با عنوان دغدغه‌های روشنفکر مسلمان در جهان معاصر است که زکی میلاد دانشور سعودی تبار آن را در ۲۰۰۰ میلادی در بیروت منتشر کرد. وی به تفصیل به مقوله روشنفکری، تحولات مفهومی آن و پدیده نسبتاً جدید روشنفکر مسلمان می‌پردازد و دشواری‌های موجود در نحوه تعامل چنین روشنفکری را با جامعه خویش و جهان به نیکی می‌کاود.

وی در آغاز می‌پرسد که چه عواملی موجب شده است که ما در دوره معاصر فاقد متفکران و اندیشمندان برجسته باشیم. اندیشمندان برجسته‌ای همچون محمد اقبال لاهوری، مالک ابن نبی و محمد باقر صدر در دهه‌های پیشین که با نوآوری‌های خود موجب عمق، غنا و طراوت نهال اندیشه اسلامی شدند. در جست و جوی پاسخ به این پرسش است که وی در فصل اول کتاب به معضلات و کاستی‌های روشنفکر مسلمان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که فقدان متفکران سرآمد ناشی از انحطاط عمومی پژوهش و تحقیق در حوزه مطالعات اسلامی است. چراکه تلاش‌های فکری انجام شده در حوزه مطالعات اسلامی تاکنون نتوانسته است تصویر صحیح و دقیقی از نحوه تعامل روشنفکر مسلمان با سنت از یک سو و جهان معاصر از سوی دیگر ارائه کند. از دیگر عواملی که وی بر می‌شمرد فهم و دریافت عموم متدینین از این مقوله است که روشنفکری نزد آنان مترادف با غرب زدگی، الحاد و ستیز با فرهنگ ملی و اسلامی است.

وی سپس به ارزیابی کارنامه تلاش‌های فکری - فرهنگی روشنفکران مسلمان در دهه نود میلادی قرن گذشته می‌پردازد و بر آن است که با وجود ارتقای نسبی دست‌آوردهای علمی در حوزه مطالعات اسلامی، این پژوهش‌ها همچنان فاقد عمق و انسجام روش شناختی و علمی است. به باور نویسنده بایستگی‌های روشنفکر مسلمان در دنیای معاصر شناخت متقابل روش‌ها و نگرش‌های علمی، تمدنی نوین و به‌کارگیری آن در نحوه درک و دریافت سنت به گونه‌ای که بتوان معضلات و دشواری‌های نظری و عملی جوامع مسلمان را به نحو شایسته‌ای پاسخ گفت و مسلمانان را برای ایفای نقش درخوری در دنیای معاصر مهیا کرد.



آیا دین مانعی برای روشنفکر بودن است، عنوان فصل دوم کتاب است که با استناد به منابع و مصادر معرفت دینی، عدم مغایرت بین این دو مقوله را به اثبات می‌رساند و شواهد و ادله‌ای نیز از تاریخ تحولات فکری مسلمانان و نحوه تعامل و تأثیر آنان بر غرب را برمی‌شمرد. سپس در فصل سوم در صدد بیان تفاوت مفهوم «عالم» در فرهنگ اسلامی با مفهوم «روشنفکر» در فرهنگ اروپایی، برآمده است و در فصل چهارم به مرجع بودن فرهنگ و تمدن اروپایی و چگونگی تأثیرپذیری روشنفکران جهان عرب از تمدن غربی اشاره کرده است و عامل مهم عدم درک و تفاهم متقابل میان روشنفکران جهان عرب و جوامعی که در آن می‌زیند را چگونگی تأثیر مرجع بودن غرب بر ذهن و ضمیر روشنفکران جوامع اسلامی می‌داند. در فصل پنجم کتاب، روشنفکران را به تجدید نظر در این باره و دعوت به نگرش واقع بینانه به غرب از سویی و به خود، جوامع خود و فرهنگ و سنت خودی، فرا می‌خواند که در فرجام بتوان ضمن بازگشت به خویشتن تاریخی و فرهنگی خویش نوعی تعادل و توازن در رابطه با فرهنگ و تمدن غرب برقرار کند.

وی در این فصل به اهمیت و ضرورت نقادی در ابعاد و زمینه‌های مختلف اشاره کرده است و ضمن برشمردن اهمیت تحری حقیقت و سیری پایان ناپذیر در مصادر و منابع معرفت دینی، روشنفکران را به اهمیت راهبردی این رویکرد توجه می‌دهد. فصل ششم نگرشی است انتقادی به نحوه تعامل روشنفکران با مصادر و منابع دینی و عدم تسری دادن پارادایم دانش تجربی در موضوعات و مباحثی که از قلمرو علوم تجربی خارج اند و در نتیجه سربرتافتن از آنچه پایه‌های یقینی باورهای دینی محسوب می‌شود، از جمله موضوعات این فصل را تشکیل می‌دهد. در فصل پایانی به بایستگی‌های روشنفکران مسلمان اشاره شده و نقش آنان را در نقادی خود، جوامع اسلامی و آراء و نگرش‌های دینی و چگونگی تعامل با دنیای معاصر برجسته کرده است و ایستادگی آنان در مقابل موج غربی کردن جهانی که پیامدهای سهمگینی برای جوامع اسلامی دارد را مهم ارزیابی می‌کند.

#### پی‌نوشت:

۱- هم اکنون در کشورهای اروپایی و امریکای شمالی ناشران عرب زبانی فعالیت می‌کنند و عمده آثار خود را نیز به زبان عربی به چاپ می‌رسانند. بخشی از این آثار در غرب به دست خواننده عرب زبان می‌رسد و بخش عمده آن به کشورهای عربی ارسال و در آنجا توزیع می‌شود. این ناشران را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول ناشرانی که مرتبط با مراکز و مؤسسات اسلامی که بیشترین فعالیت آنها در عرصه‌های تبلیغی و ارشادی است؛ دسته دوم ناشران حرفه‌ای که معمولاً شعبه‌ای نیز در برخی کشورها دارند. از جمله جمل، دارالاساقی، دارالحکمه و جز آن.

